

## زوج جنایتکار ۲ سال پس از فرار به مالزی مخفیانه به ایران باز گشتند

# فرجام سیاهارثیه خونین

اجاره کردن یک واحد آپارتمان زندگی پنهانی دارند.

### ■ بازداشت فراری ها

بلافاصله بازپرس پرونده دستور دستگیری سعید و فریبا را صادر کرد و ماموران روز ۲۹ تیر با اطلاع از حضور آن ها در خانه شان وارد عمل شدند و با اقدامی غافلگیرانه سعید و فریبا را دستگیر کردند.

سعید در صحنه دستگیری در حالی که اصرار داشت اشتباهی شده است و او حامد نام دار خودش را بی گناه نشان داد و فریبا هم سعی کرد نقش کسی غیر از فریبا را بازی کند اما دروغ بزرگ آن ها خیلی زود فاش شد و فریبا چاره ای جز اقرار ننید.

فریبا در بازجویی های تخصصی به کاراگاهان گفت: مادر و پدر مان سال ها پیش در گذشته اند. شب حادثه من به همراه

خواهر و برادرم در خانه پدر بزرگ مان بودیم که ناگهان دایی فرمازوار دخانه شد و باز هم مثل همیشه ادعا و طلب ارث و میراث اش را از ما کرد که مشاجرهمان بالا گرفت و او با چاقویی که پنهان کرده بود به ما حمله کرد حتی برادرم از ناحیه دست زخمی شد،

ترسیده بودم و سریع با شوهرم تماس گرفتم سعید را کمتر از چند دقیقه به خانه رسید او این دیدن صحنه شو که شده بود تا این که او هم با دایی ام درگیر شد. سعید نیز گفت: پس از تماس فریبا وقتی شنیدم دایی فرماز آن ها را کتک زده و برادر زنم زخمی شده است خیلی عصبانی شدم یک چاقو تهیه کردم و بلافاصله به سمت خانه رفتم، دیدم که فرماز در حال کتک زدن همسرم خواهر زن و برادر زنم است. با او درگیر شدم و چند ضربه چاقو به ناحیه گردن و دستش زدم و سریع به همراه فریبا از آن جا فرار کردم. پس از چند روز شنیدیم که وی جان باخته است و ما هم تصمیم به فرار گرفتیم. به صورت غیر مجاز از کشور خارج شدیم و نزدیک به دو سال در مالزی زندگی می کردیم که با گذشت این مدت با تصور این که آب ها از آسیاب افتاده است به ایران باز گشتیم و با مشخصات جعلی در حال زندگی بودیم که توسط پلیس دستگیر شدیم.

### ■ گفت و گو با زن جوان

فریبا ۲۵ ساله در ماجرای درگیری خانوادگی، شوهرش را وارد معرکه ای کرد که به قتل دایی اش ختم شد. این زن با شوهرش پس از دو سال فرار به کشور مالزی وقتی به ایران بازگشتند دو روز مانده به جشن تولدش از سوی پلیس آگاهی تهران دستگیر شدند.

### ■ چه مدت است از دواج کردی؟

مرداد سال ۹۶ بود که با هم ازدواج کردیم.

### ■ شغل سعید؟

سعید ابتدا در یک کفش فروشی کار می کرد بعد از مدتی به مغازه فرش فروشی پدرش رفت و در آن جانشغول به کار شد.

### ■ اختلاف بر سر ارث و میراث پدری بود؟

من بعد از مراسم عقد، چون پدر و مادرم فوت کرده بودند بیشتر

زوج جنایتکاری که بعد از قتل فامیلی ایران را ترک کرده بودند و زندگی پر آشوبی در مالزی داشتند به خط پایان فرار رسیدند. وقتی دایی یک زن بر سر ارثیه خونین وار دیک جدال شد کسی تصویری کرد جنایتی خونین کلید خورد.

### ■ شامگاه شوم

ساعت ۱۱ و نیم شامگاه، ۲۱ آذر سال ۹۶ ماجرای یک جنایت فامیلی به پلیس ۱۱۰ تهران مخابره شد و ماموران کلانتری ۱۶۰ خزانه خود را به خانه ای واقع در خیابان همدانی محدوده خزانه بخارایی رساندند.

تحقیقات میدانی پلیس نشان داد دایی ۴۰ ساله خانواده به نام فرماز به خاطر ارثیه فامیلی با خواهرزاده هایش اختلاف شدیدی داشته است.

این تجسس هان شان داد سعید ۲۶ ساله که شوهر یکی از خواهر زاده های فرماز است در این درگیری دایی همسرش را با چاقو هدف قرار داده است و با توجه به خون ریزی شدید فرماز با آمبولانس اورژانس به بیمارستان کاشانی انتقال یافته است.

### ■ مرگ دایی در بیمارستان

با توجه به فرار سعید و همسرش از صحنه خونین ماموران خود را به بیمارستان کاشانی رساندند و از پزشکان شنیدند فرماز به خاطر بریدگی گردن و جراحت دست به شدت دچار خون ریزی شده و روی تخت جراحی از پا درآمده است.

### ■ تجسس های جنایی

همین اتفاق شوم کافی بود تا ماجرای جنایت فامیلی به بازپرس ویژه قتل و ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران مخابره شود و خیلی زود تجسس های جنایی آغاز شد. کاراگاهان در صحنه قتل به بازجویی از شاهدان جنایت دست زدند و دریافتند انگیزه اصلی اختلاف بر سر ارث و میراث فامیلی بوده است. این شاخه تحقیقی نشان داد و خواهر و یک داماد ۲۵ ساله در خانه ویلایی زندگی می کنند که روز جنایت، فرماز که دایی خانواده بود برای گرفتن ارث و میراث پدری اش به خانه ویلایی رفته است و بعد از بالا رفتن دعوا آن ها زد و خورد شدیدی داشته اند که جنایت خونین رخ داده است و زن و شوهر پا به فرار گذاشته اند.

### ■ فرار به مالزی

کاراگاهان جنایی با آغاز تحقیقات میدانی برای دستگیری قاتل به نام سعید و همسرش که فریبا نام دارد خیلی زود فاش کردند این زن و شوهر با بی بردن به این که فرماز در بیمارستان جان باخته است سواری به هواپیما به مالزی فرار کرده اند.

### ■ ۲ سال بعد

در حالی که دو سال از این جنایت فامیلی گذشته بود اقدامات اطلاعاتی پلیس تهران نشان داد سعید به همراه فریاروز ۱۵ اردیبهشت امسال به ایران بازگشته اند.

همین کافی بود تا تجسس های تخصصی باز کلید بخور و د خیلی زود مشخص شد زوج فراری در محدوده خزانه تهران با

### گفت و گو با مردی که همسرش را خفه کرد

مرد جوانی که همسرش را جلوی چشمان بچه اش کشته است از پشت پرده این جنایت گفت. ساعت ۷ صبح شنبه ۲۹ تیر امسال مرد جوانی با پلیس تهران تماس گرفت و فاش کرد همسرش را در خانه اش واقع در بولوار مرزداران تهران کشته است.

وقتی پلیس سر رسید مرد جوان که در خانه حضور داشت به قتل همسرش اعتراف کرد و این در حالی بود که پسر ۱۲ ساله شان نیز در خانه حضور داشت و فاش کرد پدرم پس از این که مادر مرا هدف ضربات مشت قرار داد با انداختن بند کیف زاننه دور گردن مادرم دست به قتل اوزد.

پسر نوجوان گفت: صبح وقتی از خواب بیدار شدم به راهروی خانه رفتم و دیدم پدرم با ضربات محکم مشب به صورت مادرم می زد و سپس بند کیف را دور گردن مادر انداخت که مانع کار او شدم اما پدرم مرا به زور به اتاق انداخت و در را قفل کرد که نتوانستم با ضربات لوله جاروبرقی موفق به تخریب در اتاق خواب شوم و وقتی بیرون آمد با جسد مادر م رو به رو شدم.



### ■ گفت و گو با مرد همسرکش

مرد ۴۶ ساله که در یک درگیری خانوادگی زنش را به قتل رسانده است پس از دستگیری می گوید اگر به همان زمان درگیری بازگردد خودش را جای همسرش خواهد کشت.

### ■ چه سالی ازدواج کردی؟

سال ۷۹ بود که ازدواج کردیم و ابتدا هیچ مشکلی با هم نداشتیم تا این که سال ۸۳

## پشت پرده تراژدی یک جنایت تلخ

اختلافات مان شروع شد و این اختلافات تا سال گذشته ادامه داشت.

### ■ چرا اطلاق نگرفتی؟

مهریه همسر ۳۵۰ میلیون تومان بود و حتی همسر یک بار برای جدایی اقدام کرد که پشیمان شد.

### ■ همسرت سرکار می رفت؟

بله، کارمند بانک بود تا این که چندی قبل معاون بانک شد و همیشه درگیری کاری داشت و به زندگی اهمیت نمی داد، حتی یک بار به سفر رفتیم و قرار بود سه روز در شمال باشیم اما روز دوم همسر به خاطر کارش خواست تا به تهران بازگردیم.

### ■ چه اختلافاتی داشتی؟

مالی و جایگاهی در خانه.

### ■ چطور؟

همسر همیشه طوری رفتار می کرد که در زنش را به قتل رسانده است پس از دستگیری می گوید اگر به همان زمان درگیری بازگردد خودش را جای همسرش خواهد کشت.

### ■ چه سالی ازدواج کردی؟

سال ۷۹ بود که ازدواج کردیم و ابتدا هیچ مشکلی با هم نداشتیم تا این که سال ۸۳



اوقات خانه پدر شوهرم بودم تا این که روز قبل از درگیری به خاطر این که در خانه پدر شوهرم کارهای خوشکاری انجام می دادند به خانه خودمان رفتم و صبح روز بعد دوبارم همراه دایی

ام در خانه شروع به خوردن مشروبات الکلی کردند که در این میان یکی از برادرانم مطرح کرد خانه مان را بفروشم و هر کسی سهم خودش را برادر دوسر مسئله ارث بین برادر و دایی ام بحث و درگیری پیش آمد که خیلی زود این ماجرا جمع شد و پس از پایان این درگیری برادرم علی به رضافت که مسئله ارث را باید بین خودمان حل کنیم و بعد به دایی های مان اطلاع بدیم.

### ■ پس درگیری مرگبار چه زمانی رخ داد؟

ظهر آن روز دایی ام از خانه رفت تا این که شب ساعت ۱۰:۳۰ بر گشت و با برادرم درگیر شد و گفت حرف حساب بزنی، ما از این خانه سهم داریم و همین شروع درگیری بین برادر و دایی ام شد که در ادامه یکی دیگر از دایی هایم به خانه آمد و برادر دیگرم نیز وارد صحنه درگیری شد که من با توجه به شدت درگیری با همسرم تماس گرفتم و او را خواستم به کمک ما بیاید. درگیری از حیاط به داخل کوچه کشیده شد و شوهرم نیز وارد درگیری شد که پس از دقایقی مشاهده کردم دست دایی فرماز و برادرم خونی است و سپس فرماز خواست او را ها کنیم و خودش به بیمارستان برود.

### ■ دیدی چه کسی او را چاقو زخمی کرد؟

یک چاقو بین دستان دایی فرماز و برادرم بود و درگیری آن ها درحالتی بود که روی کاپوت خود و افتاده بودند و وقتی آن ها بلند شدند دیدم هر دو خونی هستند، نمی دانم چه شد که قتل راه بردن شوهرم انداختند.

### ■ بعد از قتل کج رفتی؟

ما فکر نمی کردیم دایی فرماز به قتل رسیده باشد و بعد از این ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار دارند.

### تحلیل کارشناس

## قتل به خاطر ارثیه

دکتر علیرضا شریفی یزدی جامعه شناس و آسیب شناس اجتماعی

در پرونده های قتل خانوادگی که علت اصلی اختلاف میان اعضای خانواده ارث و میراث است چند نکته اصلی را باید مورد توجه قرار داد. دلیل اصلی بروز این اتفاقات ناگوار نبود همخوانی واقعیت های اجتماعی با قوانین و قواعد است. وقتی در یک خانواده اختلاف بر سر پول و مادیات رخ می دهد که به قتل منجر می شود بیانگر نبود انسجام و اتحاد اجتماعی میان اعضای یک خانواده است. البته وجود برخی قوانین مانند میزان سهم الارث دختر و پسر است. موارد اختلاف بر انگیز در خانواده موقع تقسیم ارث به شمار می رود. درست است که این تقسیم بندی ها قانونی است اما برخی افراد این تقسیم بندی را نمی پذیرند و این خود عاملی می شود برای بروز اختلافات خانوادگی و حتی بروز قتل ها و جنایت های وحشتناک که متأسفانه در جامعه امروزی باب شده است. برخی والدین نیز در زمان حیات شان به صورت لفظی اموال شان را میان فرزندان تقسیم می کنند و همین مسئله که از دید قانون پذیرفته و شفاف نیست عامل در دسر سازی می شود برای اختلافات خانوادگی در سال در آن جابودیم که تصمیم گرفتیم به مالزی برویم.

### ■ کی متوجه مرگ دایی فرماز شدی؟

ابتدا خواهر و برادرم از ماجرای مرگ دایی فرماز خبر دادند اما ما فکر می کردیم که دروغ می گویند تا این که اعلامیه فوت دایی ام را در صفحه اینستاگر امیکی دیگر از دایی هایم مشاهده کردم.

### ■ از استانبول راحت به کشور مالزی رفتید؟

نه، بعد از یک سال وقتی به مالزی رفتیم، من از گیت پرواز عبور کردم اما شوهرم را دستگیر کردند، من به هتل رفتم اما شوهرم باز داشت شد، به سفارت رفتم و در باره دستگیری شوهرم حرف زدم که متوجه جعلی بودن پاسپورت ما شدند و من را نیز دستگیر کردند. دو ماه در زندان بودم و یک ماه پس از این که من آزاد شدم، سعید نیز آزاد شد.

### ■ هزینه زندگی را از کجا تامین می کردی؟

برادر شوهرم برای من از ایران پول می فرستاد.

### ■ چوبه ایران بازگشتی؟

شنیدیم که خواهر و برادرم توانسته اند رضایت خانواد را بگیرند و ما فکر می کردیم با گذشت زمان همه چیز آرا شده است و دیگر دستگیر نمی شویم اما بعد از چندروز که به ایران بازگشتیم دستگیر شدیم.

### ■ چه سرنوشتی در انتظار تان است؟

با توجه به صحبت های قبلی که داشتیم قرار است رضایت خانواده را بگیریم و مشکلی در زندگی مان پیش نخواهد آمد.

## رهایی از قصاص قاتل زن همسایه

### ■ در دادگاه

وی دیروز از جنبه عمومی جرم در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده که به ریاست قاضی قربانزاده و با حضور یک قاضی مستشار برگزار شد

حسن به دفاع پرداخت و گفت: وضع مالی خوبی نداشتم و به سختی زندگی ام را می گذراندم. چون می دانستم مژگان به تنهایی در خانه اش زندگی می کند و طلا دار تصمیم به سرقت گرفتم. آن شب در خانه مژگان را با پیچ گوشتی باز کردم و وارد شدم. فکر می کردم او خوابیده باشد اما بیدار بود و مقاومتش مجبور شدم او را به قتل برسانم. وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود گفت: هفت سال است که در زندان هستم و در این مدت سختی زیادی کشیدم و حالا از قضات دادگاه تقاضا دارم در مجازات تخفیف قائل شوند.



### ■ در حالی که حکم قصاص وی در دیوان

عالی کشور مهر تایید خورده بود و حسن در یک قدمی چوبه دار قرار داشت، وی توانست با پرداخت دیه ۳۰۰ میلیون تومانی رضایت اولیای دم را جلب کند و از یک قدمی چوبه دار به زندگی برگشت.



شعبات فروش روزهای جمعه عصر از ساعت ۱۸ الی ۲۲ دایر میباشند

مبل ترنج

معمول مشرق  
ایران و ترکیه



Luxury Furniture

مبلمان ترکی

شعبه ۱/ نبش سناباد ۴۳  
۰۵۱-۳۸۴۳۳۱۰۰

شعبه ۲/ نبش سناباد ۴۵  
۰۵۱-۳۸۴۳۶۰۱۸

شعبه ۳/ نبش سناباد ۵۵  
۰۵۱-۳۸۴۶۴۳۴۶